

اقتباس برای شما در تئاتر چه معنا و مفهومی دارد؟



دکتر مسعود دلخواه

اقتباس یک معنای کلی دارد که مشخصه متون یا برنامه‌هایی، نمایش یا نمایشنامه‌هایی است که از یک منبع دیگر سرچشمه می‌گیرند و منشعب می‌شوند و جرقه‌ای می‌خورند و منبع اولیه خودش را در نمایش یا نمایشنامه نشان می‌دهد.

گاهی اقتباس در تئاتر به معنی انطباق است. گاهی نمایشنامه‌ای را با شرایط زمان و مکانی در کشور خودمان منطبق می‌کنیم، یعنی آن را ایرانی‌تر می‌کنیم؛ این هم نوعی اقتباس است. گاهی از منابع دیگران استفاده می‌کنیم و یک متن را با شرایط صحنه منطبق می‌کنیم. ما در تئاتر اقتباس ادبی را مد نظر داریم ولی ممکن است اقتباس سبکی و کاری کارگردان باشد که از جای دیگر این اقتباس شکل گرفته باشد. این یک معنای کلی دارد یعنی کارگردان نشانه‌ای از یک کار گرفته و در کار خود پیاده کرده است. عمدتاً در تئاتر اقتباس ادبی و انطباق آن با شرایط صحنه صورت می‌گیرد.

دکتر فریندخت زاهدی

اقتباس با رویکرد بومی‌سازی در زمان قاجار؛ وقتی نمایشنامه‌های مولیر را اقتباس می‌کردند آن‌ها را ایرانی‌تر می‌کردند، مثلاً از ضرب‌المثل‌های ایرانی در آن استفاده می‌شد.

سریال‌ها و فیلم‌های خارجی که در ایران پخش می‌شوند، به دلیل نوع کاری که در زمینه جرح و تعدیل روی آن‌ها صورت می‌گیرد و گاه موجب عوض شدن داستان و شخصیت‌های آن می‌شود گاه دچار نوعی اقتباس می‌شوند که در حقیقت یک نوع سرقت هنری نیز به شمار می‌رود، مثلاً نامزد یک شخصیت، در ترجمه خواهر او نامید می‌شود.

نوع دیگری از اقتباس به شکل تبدیلی و عدم خلاقیت است. کسی که می‌خواهد چیزی بنویسد و انرژی و دانش کافی ندارد، از روی یک اثر کپی می‌کند و تغییرات مختصری می‌دهد که این کار نیز نوعی اقتباس برای تئاتر و فیلم می‌شود. اقتباس از آثار ادبی، گاهی همراه با برداشت فرهنگی خالق اثر شکل می‌گیرد. یعنی فرد یک اثر ادبی را انتخاب می‌کند و برداشت جدیدی را که دارای مشخصات فرهنگ بومی است به آن اضافه می‌کند.

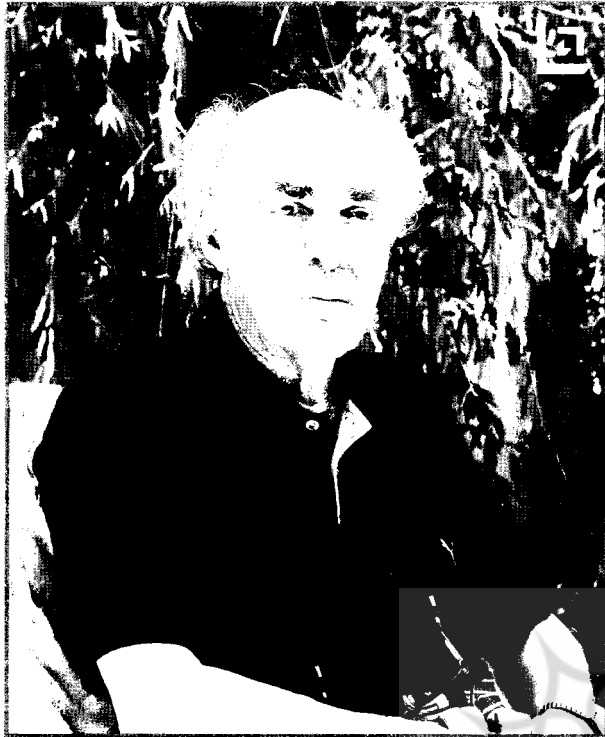
برداشت فرهنگی متفاوت با رویکرد موضوعی است. زیرا ما در بسیاری آثار می‌بینیم رویکرد موضوعی خاص هم مبتنی بر متون ادبی است. اگر اقتباس خوب انجام شود یک کار بدیع هنری انجام می‌شود.

ممکن است در طول زمان جذابیت یک اثر ادبی زوال شده باشد که در این صورت زمانی که هنرمند با تغییراتی آن را به روز می‌کند، آن اثر ادبی در واقع دوباره زنده می‌شود.

اگر امر اقتباس به شکلی هنرمندانه انجام گیرد، اثر هنری مبتنی بر یک اثر هنری دیگر به وجود آمده است.

اگر این کار با تدبیر و دانش و هنرمندی و شناخت ابعاد اثر هنری انجام بگیرد، یک کار برجسته به جای می‌ماند.





دکتر تاجبخش فنائیان

در صورتی که نمایشنامه‌نویسی نسبت به یک اثر ادبی از جمله: قصه، حکایت، داستان و رمان علاقه و کششی پیدا کند، قادر خواهد بود طی مراحل اقتباس آن اثر را به نمایشنامه تبدیل کند. چون در واقع آن اثر، ساخت مایه دراماتیک را در خود دارد. به نظر من بهتر است اقتباس از روی آثار ادبیات کهن خودمان به عنوان یک تمرین نمایشی صورت گیرد. مثلاً حکایات مثنوی جامی، نظامی و عطار و...

این تنظیم نمایشی که شاید قصه‌اش با اقتباس متفاوت باشد به این معنا است که در واقع اقتباس یک برداشت است از یک اثر داستانی در هر یک از قالب‌های ادبی و تبدیل آن به نمایشنامه. اما تنظیم نمایشی به این صورت است که اثر در دل خودش بیشتر قواعد مورد نظر نمایشنامه را بخصوص در قالب شعر تنظیم بیان کرده است.

اگر منبع اقتباس ما یک اثر منظوم باشد مقصد به وجود آمده نیز می‌تواند یک اثر منظوم نمایشی باشد که در چهارچوب کلی آن نظم است و محتوای آن گونه حکایات ایجاب می‌کند که در قالب نظم تنظیم شود. بهترین شکل برخورد با آثار ادبی در اقتباس، شکل تنظیم آثار منظوم به صورت نمایشی است.

بهرام جلالی‌پور

اقتباس واژه‌ای است که در فارسی معادل سه واژه لاتین قرار می‌گیرد. جایی به معنای ترجمه، در جایی معنای آدپتاسیون و گاهی به جای دراماتورژی قرار می‌گیرد.

بر حسب اینکه در چه سطحی نویسنده یا کارگردان متن اصلی را دست کاری می‌کند، اقتباس متفاوت می‌شود. گاهی نویسنده متن را ترجمه می‌کند و در آن دست می‌برد به گونه‌ای که اسامی را به اسامی کشور خودش تغییر می‌دهد.

در نمایشنامه گاهی در ساختار دراماتیک متن دست می‌برد که آن را دراماتورژی می‌نامند.

در ایران واژه اقتباس از Translation, adaptation, dramaturgy ترجمه شده است که این مسئله اقتباس را مبهم می‌کند.

استاد خسرو حکیم رابط

اگر متن ادبی، متن با ارزش و برانده‌ای باشد، اقتباس مستقیم از آن هنر نیست. یعنی اگر برداشت نعل به نعل باشد هنری صورت نگرفته است.

اگر با حفظ امانت و صداقت و دنیا آن اثر، یک اثر تازه خلق شود، هنر است. اثر اصلی در جای خود یک هنر است و اقتباس با ذهن و زبان دیگری از آن خلق یک اثر هنری دیگر است.

شاید یک اثر ادبی ده‌ها شخصیت و مکان و زمان داشته باشد. در یک اثر ادبی زمان باز است که به دنیای خیال برود، وقتی برداشت نمایشی از یک اثر ادبی صورت می‌گیرد باید در ظرف نمایشنامه ریخته شود. گاهی اقتباس‌هایی صورت می‌گیرد که به بدنه کار از دست می‌رود. گاهی این امر رونویسی از اصل اثر است که دیگر نامش اقتباس نیست.

زمان در یک اثر ادبی سال‌ها از زندگی را در بر می‌گیرد. نمایش دادن هزار شب و روز مختلف در صحنه عملی نیست.

باید تمام دنیاها را در ظرف مختصر نمایش ریخت و از نظر مکان و زمان و امکانات اجرایی در این ظرف کوچک جا داد. چنین اقتباسی گاه از خلق ادبی سخت‌تر است.